مرتضی میردار

مبارزه به روایت سید احمد هوایی - ۲۷

# ورود به اطلاعات سپاه

**خواباندن غائله در دهدشت و حرکت به سمت خوزستان**

در دهدشت یکی زده بود و بنده خدایی را با اسلحه کشته بود. مناسبات آنها طایفه‌ای بود. طایفهٔ مقتول می‌خواست سر آن طایفه بریزد و انتقام بگیرد. آقای مسگر گفت: «ما می‌خواهیم از این‌طرف برویم گچساران. شما برو دهدشت و این غائله را ختم کن و بیا.» من هم تا به حال بین طایفه‌ها کار کدخدامنشی نکرده بودم. گفتم: «بروید بگویید که نمایندهٔ امام دارد می‌آید که این مشکل را حل کند.» جادهٔ بسیار خطرناکی بود و ما را با یک جیپ بردند. خلاصه پیش مادر و پدر مقتول رفتیم و گفتیم که ما از طرف امام آمده‌ایم. دلجویی کردیم و گفتیم که سپاه همه چیزش را تقبل می‌کند و الحمدلله غائله را به خیر و خوشی ختم کردیم. آقای تاج‌گردان و بقیه می‌گفتند همه عزا گرفته بودیم که حالا چه خواهد شد، چون این قوم می‌ریزد سر آن قوم که انتقام بگیرد.

آمدیم و باز به برادر مسگر ملحق شدیم و سپاه گچساران را هم تشکیل دادیم و مسجد سلیمان هم به‌همین نحو. بعد آمدیم اهواز. همه‌جا غالباً دودستگی بود. یک دسته آقایانی بودند که الان مسئولیت دارند و درست نیست که اسم‌شان را بگویم. اینها آن وقت از نظر صلاحیت رد شدند. یعنی با تحقیقات محلی که من و مسگر کردیم، رد شدند. گروه دیگری بودند که بعد از تحقیقات حکم فرماندهی را برای‌شان زدیم و آمدند و کار را به عهده گرفتند. این هم ماجرای تشکیل سپاه‌های جنوب بود که ما مأموریت گرفته بودیم. البته برای شمال و جاهای دیگر هم به همین ترتیب تیم‌ها را درست کردیم.

سپاه، مرکزی به نام اطلاعات و تحقیقات داشت که مسئول آن آقای بشارتی بودند. فکر کنم تیر یا مرداد بود که آمدیم و آقای بشارتی به ما گفت به نگارستان هشتم، ساختمان شمالی بروید که از نظر تجهیزات نیمه‌کاره بود. گفتند آقای محسن رضایی آمده و مسئول واحد اطلاعات سپاه شده است؛ شما هم بروید آنجا. یک نامه نوشتند و ما را به آنجا معرفی کردند. در آنجا آقای عرب‌سرخی[1] مسئول گزینش اطلاعات سپاه بود. ایشان بود و برادر نادر حلیمی و دو سه نفر از بچه‌های فجر. فکر می‌کنم پنجم یا ششم تیرماه بود که کار اطلاعات سپاه شروع شد و من و امیر آقارحیمی، برادر باقر[2]، و ناصر فتاحی، که مسئول حراست مجلس است، آمدیم و عضو شدیم. کارهای عملیاتی ما شروع شد.

**سپاه، مرکزی به نام اطلاعات و تحقیقات داشت که مسئول آن آقای بشارتی بودند. فکر کنم تیر یا مرداد بود که آمدیم و آقای بشارتی به ما گفت به نگارستان هشتم، ساختمان شمالی بروید که از نظر تجهیزات نیمه‌کاره بود. گفتند آقای محسن رضایی آمده و مسئول واحد اطلاعات سپاه شده است؛ شما هم بروید آنجا... فکر می‌کنم پنجم یا ششم تیرماه بود که کار اطلاعات سپاه شروع شد.**

در آنجا آقای عرب‌سرخی مسئول گزینش اطلاعات سپاه بود. ایشان بود و برادر نادر حلیمی و دو سه نفر از بچه‌های فجر. فکر می‌کنم پنجم یا ششم تیرماه بود که کار اطلاعات سپاه شروع شد و من و امیر آقارحیمی، برادر باقر، و ناصر فتاحی، که مسئول حراست مجلس است، آمدیم و عضو شدیم. کارهای عملیاتی ما شروع شد.

در آن ایام سلطنت‌طلب‌ها را می‌گرفتند. منافقین هنوز وارد کار نشده بودند. کمونیست‌ها، رنجبران، چپی‌ها و دیگران کارهایی انجام می‌دادند. ما کارهای عملیاتی و تحقیقاتی می‌کردیم. هنوز هم دورهٔ آموزش اطلاعاتی در کار نبود. به‌تدریج دوره‌هایی را تشکیل دادند. در این ضمن، بخش عملیات سپاه تهران در پادگان ولی‌عصر(عج) بود و ستادی هم برای آن تأسیس کردند. ما به ساختمانی در خیابان ایرانشهر آمدیم و به‌عنوان اطلاعات سپاه تهران، در پادگان آنجا مستقر شدیم.[3] در آن موقع سپاه دو دسته بود. یک دسته جبروتی‌ها بودند که از بنی‌صدر طرفداری می‌کردند و یک دسته هم ما که طرفدار شهید بهشتی بودیم. برادر نادر حلیمی مسئول اطلاعات طیف متمایل به شهید بهشتی بود. آن‌طرف هم فردی به نام عبداللهی بود که از بنی‌صدر طرفداری می‌کرد. فرمانده اول سپاه آقای جواد منصوری بود. بعد آقای مرتضی رضایی[4] آمد و فرمانده سپاه شد که بنی‌صدری بود.ایشان مدتی بعد عزل شد.

خلاصه، عملیات سپاه تهران در پادگان ولی‌عصر(عج) و ستادش هم در خیابان ایرانشهر بود. در آنجا واحد اطلاعات را تشکیل داده بودند و از همان جا حفاظت اطلاعات سپاه تشکیل شد. خدا رحمتش کند، شهید مصطفی علی‌خانی که از قبل انقلاب با هم کار می‌کردیم، اولین مسئول حفاظت اطلاعات سپاه بود. هنوز سپاه مرکز حفاظت و این چیزها نداشت. همان موقع لائهٔ جاسوسی را گرفته بودند و داشتند تحویل می‌دادند که ما رفتیم و با مصطفی یک طرح فیزیکی دادیم و بچه‌ها به‌تدریج مستقر شدند. بعد ما به منطقهٔ ۱۰ سپاه کشوری، که در خیابان فلسطین بود، رفتیم و در آنجا مستقر بودیم و کارهای حفاظتی را انجام می‌دادیم.

**پانوشت‌ها:**

۱- او عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود. [راوی]
۲- برادر باقر بعدها مسئول تعقیب و مراقبت اطلاعات سپاه تهران، مسئول اطلاعات منطقه ۳ و فرماندهی حفاظت اطلاعات سپاه ولی‌امر را برعهده داشت.
۳- آن پادگان حالا تبدیل به پارک شده است [راوی].
۴- سرتیپ مرتضی رضایی دومین فرمانده سپاه پاسداران است که با حکم بنی‌صدر به این منصب دست یافت، ولی به بنی‌صدر وابستگی نداشت. او پس از ۱۴ ماه فرماندهی سپاه، جای خود را به محسن رضایی داد.

مناسبات جمهوریّت و اسلامیّت در انتخاب ولیّ فقیه- ۱۰۱

# اقتصاد آزاد و نگاه اسلام

سید یاسر جبرائیلی

اگر آزادی فعّالیّت‌هـای اقتصادی را این‌جور معنا کنیم که آن کسانی که قدرت فعّالیّت و مانور اقتصادی دارند اینها آزادند هرچه خواستند تولید کنند، هر جور خواستند عرضه کنند، هروقت خواستند توزیع کنند، هر جور خواستند بفروشند، هر جور خواستند مصرف کنند، این یقیناً نظر اسلام نیست.[1]

حتّی در مصرف باید مراقبت بشود که اسراف به‌وجود نیاید؛ البتّه اسراف در یک حدّی فقط یک گناه شخصی است، امّا اگر همین کار حرام به حدّی رسید و به کیفیّتی درآمد که نظام اقتصادی جامعه را تهدید کرد، در جامعه فقر را گسترش داد، مایه محرومیّت قشرهای عظیمی از مردم شد، اشیاء و اجناسی را که با زحمت زیاد و با شرکت عمومی تولید می‌شود، به فنا و نابودی تهدید کرد، آن‌وقت دولت اسلامی وظیفه دارد در مقابل این اسراف و تضییع اموال بایستد.

نظر اسلام در سطح دنیا هم همین‌جور است. اگر یک نظام عادلانه اقتصادی جهانی برقرار باشد، اگر سازمان‌های بین‌المللی مسلّط و قوی‌ای وجود داشته باشد باید جلوی کشورهایی که موادّ غذایی را اسراف می‌کنند، بگیرند. درحالی‌که در دنیا روزانه چندین هزار کودک زیر ۵ سال از گرسنگی و سوءتغذیه می‌میرند، درحالی‌که ۱۰ تا ۱۵ درصد مردم دنیا دچار قحطی‌اند، درحالی‌که ۳۰ درصد مردم دنیا دچار کمبود موادّ غذایی‌اند، آمریکا اجازه کشت چند میلیون هکتار از زمین‌هایش را نمی‌دهد یا اروپایی‌ها موادّ غذایی تولیدشده‌شان را به دریا می‌ریزند تا از افت قیمت جلوگیری کنند. اگر سازمان‌هایی در دنیا باشند و حکومت‌های دارای وجدان بیداری در دنیا باشند که قدرتشان را به نفع انسان‌ها و ملّت‌ها بخواهند به‌کار ببرند باید از این اقدامات جلوگیری کنند. بنابراین، اقتصاد آزاد و مالکیّت خصوصی به معنای این نیست که کسی حق داشته باشد هر مقداری که می‌خواهد مصرف کند ولو این مصرف زیاد او موجب بشود انسان‌هایی از گرسنگی بمیرند، انسان‌هایی دچار بیماری بشوند، انسان‌هایی موادّ اوّلیّه و لازم زندگی گیرشان نیاید که مصرف بکنند. این از نظر اسلام ممنوع است.[2]

یک نکته دیگر در باب اقتصاد آزاد در اسلام این است که هیچ‌گاه اجازه داده نمی‌شود در اسلام که فعّالیّت آزاد اقتصادی موجب دست‌درازی به سرنوشت سیاسی جامعه و دخالت در بافت سیاسی و تشکیلات سیاسی جامعه بشود. در کشورهای سرمایه‌داری غرب سرمایه‌سالاری وجود دارد. سرمایه‌داران بزرگ درحقیقت اداره‌کنندگان حقیقی و دستهای پشت پرده نظام سیاسی کشورهای بزرگ هستند؛ البتّه بعضی از عناصرشان در داخل حکومتها هم راه پیدا می‌کنند، امّا اگر در حکومتها هم شرکت نداشته باشند، پشت پرده‌ی انتخابات در اختیار آنها است، تعیین رئیس‌جمهور با کمک آنها است، پیش رفتن و پس رفتن یک شخصیّت در صحنه سیاست، در سنا، در مجلس نمایندگان در اختیار آنها است؛ قوانینی که وضع می‌شود با نظر آنها است، طبق مصلحت آنها است. کاپیتالیسم به معنای سرمایه‌داری شاید خیلی دقیق نباشد؛ سرمایه‌گرایی، سرمایه‌سالاری و آقایی سرمایه است. این هم از نظر اسلام مردود است و هر چیزی که به این وضعیّت منتهی شود باید جلویش گرفته بشود.[3]

نکته دیگر اینکه در اقتصاد آزاد اسلامی به مقتضای آزادی اقتصادی، مسئولیّت امور اقتصادی جامعه و سنگینی بار امور اقتصادی جامعه هم بر دوش مردم است. در کشورهای سوسیالیستی این‌طور نیست؛ در کشورهای سوسیالیستی و در نظام دولت‌سالاری - که دولت همه کارخانجات، زمین‌ها و دستگاه‌های تولید ثروت را در اختیار دارد و مردم کارمندان دولت هستند - از مردم توقّعی نمی‌شود داشت. مثلاً برای جنگ یا ویرانی یا زلزله یا بیماری اگر در جامعه به‌وجود آمد، مردمی که کارمندان دولتند چه‌کار می‌توانند بکنند؟ مگر تن خودشان را بیاورند مصرف کنند. امّا در نظام اسلامی این‌جوری نیست. انفاق و دادن مال و اداره امور نیازهای اقتصادی و پُر کردن خلأهای اقتصادی مستقیماً بر دوش آحاد مردمی است که کارهای اقتصاد جامعه و فعّالیّت آزاد اقتصادی را در جامعه دارا هستند.[4] در اسلام انفاق یک اصل است، باید در راه خدا خرج کرد. نمی‌گوید معامله نکنید و تحصیل مال نکنید، [بلکه می‌گوید] بکنید امّا خرج کنید. اسلام مردم را عادت می‌دهد که آنچه را که به دست آورده‌اند به‌قدر نیاز زندگی - نیاز معمولی و متوسّط ولو توأم با مقداری رفاه و آسایش و گشایش در روزی، نه حالا با عسرت و فشار - برای خودش صرف کند، و آنچه زیاد می‌آید باید در راه مصالح عمومی جامعه خرج بشود. اگر کسی ثروت را درآورد و آن را با اسراف، با خرجهای بیخودی، با زیاده‌روی‌های گوناگون، با تجمّل، با اشرافیگری، با خوراک مسرفانه، با پوشاک مسرفانه، با مرکب یا منزل مسرفانه، همه آن را خرج کرد یا آن را نگه داشت و جمع ثروت کرد، این از نظر اسلام مذموم و منفور است. عدم انفاق منفور و مذموم است و اگر با جمع ثروت همراه باشد حرام است.[5]

در جامعه اسلامی یک حادثه‌ای رخ می‌دهد، که دولت احتیاج پیدا می‌کند به پول، این پول را مردم باید تأمین کنند. جنگی در جامعه پیش می‌آید، ویرانی‌ای پیش می‌آید، بیماری‌ای پیش می‌آید، حادثه فوق‌العاده‌ای پیش می‌آید، نظر اسلام این است که مردم باید به‌قدر وسع و توانایی خودشان این خلأ را پر کنند. البتّه چون همه مردم در یک سطح نیستند، آن کسانی که بهره‌مندی بیشتری دارند، امکانات بیشتری دارند، تکلیف بیشتر برعهده آنها است. آن کسانی هم که بیشترین بهره‌مندی‌ها را در جامعه دارند، وظیفه‌شان با مردم عادی یکسان نیست. این نمی‌شود که در جامعه اسلامی ما که به هدایت قرآن حرکت می‌کند، در راه اسلام حرکت می‌کند، برای خدا و اعلاء کلمه دین جنگ می‌کند، و در مقابلش آن‌همه مشکلات را تحمّل می‌کند، یک عدّه‌ای هم در جامعه باشند که بهره‌مندی‌هایی هم داشته باشند، برخورداری‌هایی هم داشته باشند، هیچ مسئولیّتی هم در مقابل نیازهای جامعه حس نکنند؛ این از نظر اسلام اصلاً قابل‌قبول نیست. آیه «و انفقوا فی سبیل اللّه و لاتلقوا بایدیکم الی التهلکة»[6] همین مطلب را بیان می‌کند؛ می‌فرماید در راه خدا انفاق کنید، و به دست خودتان، خودتان را در هلاکت نیندازید؛ یعنی اگر انفاق نکردید، به دست خودتان خودتان را در هلاکت می‌اندازید. جامعه اسلامی به‌صورت تعارف این حرف را نمی‌زند، این یک وظیفه است، یک تکلیف است، نه فقط یک حکم اخلاقی؛ این‌همه آیات انفاق در قرآن بیان یک حکم اخلاقی نیست، بیان یک فریضه‌ی شرعی است. شما ببینید لحن «انفقوا» در قرآن همان لحن «جاهدوا فی سبیل الله» است؛ «انفقوا فی سبیل اللّه»، «جاهدوا فی سبیل الله»، یک‌جور حرف زده، یک‌جور مردم را مخاطب قرار داده و این یکی از آن نکات مهمّی است که در طیّ مباحث اقتصادی اسلام حتماً باید به آن توجّه بشود. بحث مسئولیّت عمومی به‌تناسب امکانات و به‌تناسب بهره‌مندی‌ها در مقابل نیازهای عمومی، در مقابل دفاع از کشور، دفاع از مرزها، دفاع از نوامیس، دفاع از نظام اسلامی و در مقابل بقیّه تهاجم‌هایی که می‌شود، یکی از وظایف و فرایضی است که بر دوش مردم است.[7]

کسانی که تمکّن دارند به هر اندازه‌ای که تمکّن دارند باید به مخارج عمومی، به مصارف عمومی کمک کنند که یکی از آنها کمک به فقرا است، امّا منحصر در کمک به فقرا هم نیست. این نمی‌شود که در جامعه اسلامی کسانی کسب مال و ثروت بکنند و تصوّر بکنند که آنچه دارند «انّما اوتیته علی علم»[8]، حرف قارون را بزنند. قارون می‌گفت این اموال را من با زیرکی خودم، با دانایی خودم، با کوشش و تلاش خودم به دست آورده‌ام، ناز شُستم. این فکر، فکر غلطی است که کسی بگوید آنچه من به دست آوردم، با تلاش و زیرکی و هوشیاری خودم بوده، پس ناز شُستم. در منطق اسلام همه موظّفند به نیازهای اجتماعی کمک کنند. اگر در همین جامعه‌ی کنونی ما رفع فقر با یک برنامه‌ریزی به‌وسیله کمک‌های مردمی مورد توجّه قرار بگیرد، مطمئناً در طول چند سالی وضعیّت جامعه و چهره کشور عوض خواهد شد. برای اینکه در جامعه تعادل ثروت به‌وجود بیاید، جامعه ازلحاظ ثروت دوقطبی نشود، اسراف و فساد مالی به‌وجود نیاید، فقر به‌وجود نیاید، بهترین راه و موفّق‌ترین شیوه‌ها همین شیوه‌ی انفاق است. قرآن کریم عدم انفاق را از علائم نفاق می‌داند. یک‌جا در علائم منافقین می‌فرماید «المنافقون و المنافقات بعضهم من بعضٍ یأمرون بالمنکر و ینهون عن المعروف و یقبضون أیدیهمْ»[9] دستهایشان را می‌بندند، یعنی انفاق نمی‌کنند. در یک‌جای دیگر هم به کسانی اشاره دارد که با خدا عهد می‌کنند که اگر خدا به آنها چیزی بدهد در راه خدا انفاق کنند؛ «فلمّا آتاهم من فضله بخلوا به و تولّوا»[10]؛ امّا بعد از آنی که پولدار شدند بخل می‌کنند. اینها را خدا می‌فرماید «فاعقبهم نفاقًا فی قلوبهم الی یوم یلقونه بما اخلفوا اللّه ما وعدوه»[11]؛ چون وعده خدا را تخلّف کردند بنابراین خدای متعال در دل اینها نفاق می‌اندازد. پس یکی از نشانه‌های منافق این است که او قبض ید می‌کند، یعنی انفاق نمی‌کند. البتّه نمی‌توانیم بگوییم هرکسی که قبض ید می‌کند، این مطلقاً منافق است، امّا مطمئناً یکی از علائم منافق این است. در آیاتی عذاب الهی را برای کسانی که انفاق نمی‌کنند وعده داده است. آیه بسیار شدیداللّحن «خذوه فغلّوه. ثمّ الجحیم صلّوه. ثمّ فی سلسلةٍ ذرعها سبعون ذراعًا فاسلکوه. انّه کان لا یؤمن باللّه العظیمِ. و لا یحضّ علی طعام المسکین»[12]، ناظر به مسئله بی‌تفاوت بودن در مقابل فقرا و مستمندان و خونسرد بودن در مقابل نیازهای جامعه است. حتّی آن کسی که خودش هم نمی‌تواند انفاق کند باید دیگران را وادار کند به انفاق. در آخر سوره منافقون می‌فرماید «و انفقوا ممّا رزقناکم من قبل أن یأتی احدکم الموت فیقول ربّ لولا اخّرتنی الی اجلٍ قریبٍ فأصّدّق و اکن من الصّالحین»[13]؛ یعنی در آن وقتی که مرگ به سراغ او می‌آید که ناگهانی هم مرگ به سراغ همه می‌آید، آنجا ناگهان به خود می‌آید؛ می‌گوید پروردگارا! عقب بینداز این مهلت را شاید بتوانم من تصدّق بدهم در راه خدا، بتوانم انفاق کنم؛ [در] حسرت انفاق نکردن اموالی است که حالا او خواهد رفت و آنها خواهد ماند.[14]

**پانوشت‌ها:**

۱- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۷/۲۴
۲- همان
۳- همان
۴- همان
۵- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۸/۱۵
۶- سوره بقره، بخشی از آیه ۱۹۵
۷- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۷/۲۴
۸- سوره قصص، بخشی از آیه ۷۸
۹- سوره توبه، بخشی از آیه ۶۷، ترجمه: «مردان و زنان دوچهره [همانند] یکدیگرند؛ به کار ناپسند وامیدارند و از کار پسندیده بازمی‌دارند و دستهای خود را [از انفاق] فرو می‌بندند.»
۱۰- سوره توبه، بخشی از آیه ۷۶، ترجمه: «پس چون از فضل خویش به آنان بخشید بدان بخل ورزیدند و... روی برتافتند.»
۱۱- سوره توبه، بخشی از آیه ۷۷، ترجمه: «درنتیجه به سزای آنکه با خدا خلف وعده کردند و... در دلهایشان تا روزی که او را دیدار می‌کنند پیامدهای نفاق را باقی گذارد.»
۱۲- سوره حاقه، آیات ۳۰-۳۴، ترجمه: «[گویند] بگیرید او را و در غل کشید. آنگاه میان آتشش اندازید. پس در زنجیری که درازی آن هفتاد گز است وی را در بند کشید. چرا که او به خدای بزرگ نمی‌گروید. و به اطعام مسکین تشویق نمی‌کرد.»
۱۳- سوره منافقون، آیه ۱۰، ترجمه: «و از آنچه روزی شما گردانیده‌ایم انفاق کنید پیش از آنکه یکی از شما را مرگ فرارسد و بگوید پروردگارا چرا تا مدّتی بیشتر [اجل] مرا به تأخیر نینداختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم.»
۱۴- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۸/۲۹


## نیازمندی های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

| مرکز | | جنوب | | شمال | |
|---|---|---|---|---|---|
| ۳۳۱۱۰۲۰۲ | | سعدی | ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳ | قلهک | ۲۲۶۰۳۶۳۵ |
| ۳۳۱۱۳۵۱۹ | ۳۳۱۱۸۰۵۲ | شرق استان تهران | ۳۶۲۵۷۰۷۴ | شمیران | ۲۲۷۱۲۹۷۶ |
| ۳۳۱۱۰۲۱۰ | ۳۳۹۱۱۵۶۸ | اسلامشهر | ۵۶۳۴۴۳۴۳ | مطهری | ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲ |
| ۳۳۱۱۸۰۵۰ | ۳۳۱۱۹۲۳۶ | چهاردانگه | ۵۶۳۵۹۵۹۸ | شهرآرا | ۶۶۵۹۲۲۶۶ -۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱ |
| | ۳۳۱۱۲۱۹۵ | | | | |
| | ۳۳۹۴۲۰۰۰ | | | | |

### بنایی و خدمات

فلاشینگ نما زکریا
تهیه و اجرای فلاشینگ نما و ورق فلزی ۰۹۱۲۷۲۸۳۹۸۲ و ۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

نقاشی ساختمان یوسفی
کیفیت عالی
قیمت توافقی
۰۹۱۲۳۳۶۱۹۵۳

### لوازم یدکی خودرو

تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی تویوتا- لکسوس (بازار)
۳۳۹۹۰۰۱۷ - ۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰

### خرید و فروش انواع خودرو

«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

### خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

املاک افق
خرید- فروش- رهن- اجاره زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

### حمل و نقل

متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

### آگهی‌های مفقودی

سند کمپانی ام‌وی‌ام تیپ ۵۵۰ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۵ و به شماره پلاک ۵۱ ص ۶۲۳ ایران ۷۸ و به شماره شاسی NATGCARKXG۱۰۰۴۲۴۵ و به شماره موتور MVM۴۸۴FCAFG۰۰۴۰۹۱ مفقود و فاقد اعتبار است.

برگ سبز، پروانه تردد و سند خودرو سواری کارتوپوتا لندکروز GXR۴۰۰۰ به شماره پلاک ۵۶۵۹۹ - اروند ۳۳ به رنگ سفید روغنی مدل ۲۰۱۷ و شماره موتور ۱GRB۴۶۹۴۷۲ و شماره شاسی JTMHU۰۱JAH۵۱۲۵۷۲۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز، سند کمپانی، کارت پراید به رنگ سفید مدل ۱۳۸۰ و به شماره پلاک ۶۸ م ۳۸۴ - ایران ۳۳ و به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۷۹۶۲۷۳۸۱ و به شماره موتور ۲۱۰۳۰۳ مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز موتورسیکلت کبیر سوپر ۱۲۵cc به شماره پلاک ۹۱۷۲۱- ایران ۵۶۸ به رنگ آبی مدل ۱۳۹۴ و شماره موتور ۰۱۲۴NCV۱۷۷۴۲۳ و شماره تنه NCV***۱۲۵W۹۴۳۴۴۵۲ به نام محمود جلالی‌زاده مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو پژو روآ مدل ۸۷ به شماره انتظامی ۸۸۴ ج ۵۲ ایران ۸۵ به شماره موتور ۱۱۶۸۷۰۷۷۹۲۱ و شماره شاسی ۰۷۹۱۶۷ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

**نوبت دوم**
پروانه طبابت اینجانب پوریا شریفی به شماره ۱۱۰-۱۸۲۲۱۰-۲۸۰ به تاریخ صدور ۱۴۰۲/۲/۳۱ و تاریخ انقضا: ۱۴۰۳/۱۱/۹ به شماره نظام پزشکی ۱۸۲۲۱۰ مربوط به شهر شیراز مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری سیستم سایپا تیپ ۱۳۱SL رنگ سفید - روغنی مدل ۱۳۹۰ به شماره موتور ۴۲۷۰۵۴۷ و شماره شاسی S۳۴۱۲۲۹۰۹۷۳۱۸۷ و شماره پلاک ۲۳۶ ن ۶۵ ایران ۲۴ بنام امیدوار کاظمی آرپناهی مفقود و ازدرجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سمند LX مدل ۱۳۹۵به شماره انتظامی ۵۷_۶۱۵ج ۲۶ و شماره شاسی NAAC۹۱CEXGF۰۸۶۰۴۵ و شماره موتور۱۲۴K۰۸۲۱۳۲۸ بنام عباسعلی رضائی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی تراکتور کشاورزی ITM مدل ۱۳۹۲ به شماره انتظامی ۳۱_۴۹ک۴۴۹ و شماره موتور MT۴AW۰۰۴۰۰A و شماره شاسی N۳HKTAD۵CDFN۰۷۳۵۰ بنام ابوالفضل زلقی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

### استخدام

**دعوت به همکاری**

موسسه ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید.

- واحد فنی: ۴ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم
- واحد خدمات: ۵ نفر مرد - با تحصیلات حدود دیپلم
- امور مالی: ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
- امور اداری: ۳ نفر آشنا به تایپ فارسی

متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر باتلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ - ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

**مخاطب آقای شهرام زورمند** فرزند نامدار مجهول‌المکان عطف به دادنامه شماره ۱۴۵۴۴۶۰۷ مورخ ۱۴۰۲/۹/۲۷ شعبه ۸۶ تجدیدنظر استان تهران مقتضی است ظرف مدت یک هفته از رؤیت این آگهی جهت ثبت و اجرای طلاق به دفترخانه طلاق ۲۱ شهرری واقع در خ ۲۴ متری کوچه مسلم‌بن‌عقیل پلاک ۸۱ مراجعه نمایید در غیر اینصورت برابر دستور دادگاه طلاق بدون حضور شما ثبت خواهد شد.
**سردفتر طلاق ۲۱ شهرری حسین اسحاقی**

**آگهی تشکیل مجامع عمومی فوق العاده و عادی بطور فوق العاده انجمن زیست شناسی ایران**
**شماره ثبت ۷۵۳۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۳۶۵۵۳**
بدین وسیله به اطلاع کلیه اعضای پیوسته انجمن زیست شناسی ایران می رساند که انجمن زیست شناسی ایران در ساعت ۱۴ الی ۱۶ پنج شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۴ در سالن هفده شهریور دانشکده علوم زیستی دانشگاه خوارزمی واقع در تهران، خیابان دکتر مفتح، **نوبت اول** مجامع عمومی فوق العاده و عادی بطور فوق العاده دارد و چنانچه این جلسه به هر دلیل به حد نصاب نرسد مجامع عمومی بعدی **(نوبت دوم)** در ساعت ۱۴ الی ۱۶ (ساعت ۱۴ الی ۱۵ مجمع عمومی فوق‌العاده و ۱۵ الی ۱۶ مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده) پنج شنبه ۱۴۰۳/۰۱/۳۰ در سالن هفده شهریور دانشکده علوم زیستی دانشگاه خوارزمی واقع در تهران، خیابان دکتر مفتح، تشکیل خواهد شد. از همه عزیزان برای شرکت و حضور در این جلسات دعوت به عمل می آید.
**دستور جلسه:**
۱- تصویب تراز مالی سالیانه
۲- گزارش سالیانه انجمن
۳- انتخابات هیات مدیره جدید
۴- انتخاب بازرس جدید
۵- اصلاح در اساسنامه
**هیئت مدیره انجمن زیست‌شناسی ایران**

## اسامی ۶ نفر از فرزندان تحت پوشش شیرخوارگاه شبیر

**نام کودک:** آوا
**تاریخ تولد:** ۱۴۰۲/۱۱/۱۳
**تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۱۱/۱۸
**ارجاع دهنده:** اورژانس اجتماعی شهریار

**نام کودک:** افرا
**تاریخ تولد:** ۱۴۰۲/۱۱/۱۱
**تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۱۱/۱۸
**ارجاع دهنده:** اورژانس اجتماعی شهریار

**نام کودک:** مهرانا
**تاریخ تولد:** ۱۴۰۲/۱۱/۷
**تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۱۱/۱۸
**ارجاع دهنده:** بیمارستان فیاض‌بخش

**نام کودک:** عسل
**تاریخ تولد:** ۱۴۰۲/۱۰/۱۸
**تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۱۱/۲
**ارجاع دهنده:** اورژانس اجتماعی شهرستان شهریار

**نام کودک:** پیروز
**تاریخ تولد:** ۱۴۰۲/۹/۶
**تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۹/۱۸
**ارجاع دهنده:** بیمارستان فیروزآبادی

**نام کودک:** یلدا
**تاریخ تولد:** ۱۴۰۲/۸/۳۰
**تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۹/۱۹
**ارجاع دهنده:** بیمارستان اکبرآبادی

برگ سبز خودرو سواری هاچ‌بک تیبا ۲ به شماره پلاک ۷۴۷ ن ۴۹ ایران ۱۴ به رنگ سفید مدل ۱۳۹۵ و شماره موتور M۱۵/۸۳۴۹۶۱۳ و شماره شاسی NAS۸۲۱۱۰۰G۱۰۶۵۹۹۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز ، سند کمپانی سواری سیستم پژو PARS XUy CNG به رنگ سفید - روغنی مدل ۱۳۹۴ به شماره موتور ۱۲۴k۰۶۵۳۲۶۹ و شماره شاسی NAAN۲۱CA۳FH۳۸۵۳۰۱ و شماره پلاک ۲۴ایران۶۷۹ل۶۱ به نام مجاهد راشدی به شماره ملی ۱۹۱۱۶۸۲۷۲۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز هاچ بک ۱۱۱SE به شماره انتظامی ۵۳۲ د ۷۳ ایران ۷۳ به شماره موتور M۱۳/۵۵۶۳۷۷۱ به شماره شاسی NAS۴۳۱۱۰۰G۵۸۵۷۱۹۱ مدل ۱۳۹۵ بنام محمد جواد جمالی نوبندگانی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

**« نوبت اول »**
گواهی می‌شود فاکتور بلوک سیلندر به شماره ۰۹۹۰۱۰۱۲ و شماره موتور ۲۲۵۶۸۱۲۱۱۰۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی و برگ سبز خودروی سواری رنو پارس تندر ، مدل ۱۳۹۸ به رنگ سفید روغنی ، به شماره انتظامی ۳۲۸ ل ۴۳ ایران ۴۶ به شماره شاسی NAPLSRALDL۱۳۸۱۳۳۱ و شماره موتور K۴MA۶۹۰W۲۱۲۵۵۹ بنام آقای مجتبی نویدی ماسوله مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز ، سند کمپانی و شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودروسواری MVM تیپ ۱۱۰ SQR۷۱۱۱-S۱۱ مدل ۱۳۹۱ به رنگ قرمز متالیک به شماره انتظامی ۴۶۸ و ۱۴ ایران ۷۷ و شماره موتور MVM ۴۷۲ FGAB و شماره شاسی ۰۲۶۳۴۹ NATEBAFB ۱۰۱۰۰۵۲۳۸ بنام ناصر مظفری صداقت مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز پژو پارس به شماره انتظامی ۵۶۴ د ۳۷ ایران ۷۳ به شماره موتور ۱۲۴۸۸۱۲۲۰۲۶ به شماره شاسی NAAN۰۱CA۳۹E ۸۴۵۸۳۰ مدل 